نویسنده: شادروان عبدالجلیل وجدی
مترجم: محب الله زغم

۲۰۲۳/۰۹/۲۴

ماین تعصب در کشتزار ذهن

بخش ۵

برون راندن Exclusion

چنانچه قبلاً تذکر داده شد، جریان گروه‌های فرهنگی و نژادی زیر دست مزد بلند گروه‌های مسلط را به خطر میاندازند و واکنش‌های محلی را بر می‌انگیزند. یعنی خواسته‌یی را ایجاد میکند که خارجی‌ها به کشور ما نیایند. همانگونه که قبلاً یادآور شدیم، در اواخر قرن نزده مهاجرت و مسافرت گروهی کاتولیک‌ها راه را برای پالیسی‌های سمتی در سیاست‌های امریکا هموار کرد که تعصب قومی و نژادی این کار را یک عمل جایز دانست. جامعه شناسی به نام گرنت (Grant 1916 -) نوشته است که رفتن باشنده‌گان ایتالیا و اروپای شرقی به امریکا زیر بحث‌های جدی قرار گرفت و این مردم «نژادهای پست» نامیده شدند و برای نژاد خالص و برتر خطرناک پنداشته شدند.
بعد از جنگ اول جهانی، پروتستانت‌ها در امریکای شمالی در راه ورود کاتولیک‌ها و مردمان آسیا موانع را زیاد کردند و هدف شان این بود که جلو کارهای ارزان را بگیرند و سهم شان در صنایع زیان نه بیند. به همین گونه یک حزب کارگران امریکایی مردمان آسیایی را از ساحل غربی راندند. کامرون اچ. کینگ (Carmeron H. King Jr) یک سوسیالست آن زمان در ۱۹۰۸ نوشت که این حزب کارگران زیر شعار «مردم چین باید حتماً برون شوند»، به راندن آسیایی‌ها از کالیفورنیا پرداختند. طوری که بوناسیچ هم نوشته است، دو حزب کهن کارگران برای این که رای کارگران را بدست آرند، از نظریه راندن آسیایی‌ها حمایت کردند. گویا آنها جهت نیل به اهداف فوری سیاسی خود، به شعار همبستگی جهانی کارگران پشت پا زدند. چنانچه جامعه شناس ویلیامز (Mc Williams - 1945) تذکر داده است، در کالیفورنیا در دهه ۱۹۳۰ کارگران و دهقانان گزمه‌هایی ایجاد کرده بودند و از ورود غیرقانونی اوکی‌ها جلوگیری میکردند. به همین سان کارگران سفید پوست کوشش میکردند تا جلو آمدن کارگران سیاه پوست دهاتی جنوب به شمال را بگیرند.

سیستم کاست:

از آن جایی که عمل برون راندن گروهی کاملاً ممکن نیست، سپس چنانچه هیچر (Hecher - 1978) مینویسد، اعضای گروه برتر همیشه کوشیده اند که انسان‌ها را بر اساس معیار اصل و کم اصل تقسیم کنند و سیستم کاست را ایجاد کنند. مطابق این سیستم، اقلیت‌های به اصطلاح کم اصل محدود و مصروف به آن عده کار پستی نگه داشته میشوند که دیگران از انجام دادن آن میشرمند. تنها به اصطلاح اصیل‌زاده‌ها میتوانند کارهای مهم و مفید را انجام دهند. سیستم کهن کاست در هندوستان ایجاد شده بود اما اکنون عناصر این سیستم کم و بیش در آن جوامعی قابل دید است که موقف‌های بلند در آن ارزش دارد. اما حالا این موقف‌ها آن قدر که به برخی فرصت‌ها و کامیابی‌ها استوار اند، به اصل و نسب اتکا ندارند.
بنابر سیستم کنونی کاست، آن گروه‌های نژادی کم اصل یا کم ذات دانسته میشوند که در مقابل مزد کم کارهای زیاد انجام میدهند و در این رقابت کاری به منافع کارگران گروه‌های برتر زیان‌های بزرگی میرسانند (شما میدانید که این یک اصل علمی نه، بلکه یک نظر عندی است). این مردم به اصطلاح کم اصل به اتحادیه‌های کارگری، مکتب یا کارهایی که با آن موقف شان نسبتاً بلند میرفت، اجازه داده نه میشدند. مایکل هیچتر (۱۹۷۴) این نوع گروه محدود نگه داشته شده را تقسیم کلتوری (cultural division of labor) نامیده است زیر این عنوان تنوع فرهنگی و نژادی یک جامعه از نگاه

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

کارهای پست و برتر ارزیابی میشد. به عباره دیگر تقسیم کلتوری کارگران، حالتی را بیان میکرد که از روی آن گروه‌های قومی یا نژادی به کارهای مشخصی گماشته میشدند.

اقلیت‌های دلال Middleman Minorities

دانستن این موضوع هم مهم است که یک تقسیم کلتوری مزدوران به طور حتمی در قعر یک نظام طبقاتی افگنده نه میشود، بلکه از طبقه مزدور بعضی اقلیت‌ها دلال‌ها ساخته شده و در سطح طبقه متوسط نگه داشته میشوند. از آنها در بین طبقات بالا و پایین به حیث رابطه و هم به حیث حائل استفاده میشود. چنانچه جامعه شناسانی چون بلولاک (Blolock - 1967) و بونیچ (Bonich-1973) گفته اند، دلالان طبقه متوسط جنگ‌های طبقاتی را از رمق میاندازند. این سخن از بلولاک است که: در حالت اغتشاش اکثراً افراد ممتاز و طبقه پایین به ضد طبقه متوسط (دلالان) ائتلاف ساخته و از این راه هر دو جانب عقده‌های خاص خود را خالی میکنند. به طور مثال در اروپای فیودالی، اکثر کشورها به یهودی‌ها اجازه دادند تا صرف در برخی موارد کارهای طبقه متوسط را انجام دهند یعنی تجارت کنند و کار و بار سود و جمع آوری مالیات را به عهده گیرند. اما نتیجه این کار آن شد که یهودیها هم با طبقه اشراف و هم با طبقه دهقان درگیر شدند. طبقه اشراف بالای یهودیهایی که مالیات را جمع‌آوری میکردند اعتراض داشتند که منافع شان را در خطر میاندازند ولی با آن هم تا زمان برانگیخته شدن طبقه دهقان برای شان موقع دادند. وقتی که دهقانان شورش کردند، طبقه اشراف با آنها یکجا به ضد یهودیهای سودخوار و تاجر متحد شدند تا جایی که از راندن و حتی کشتار یهودیها نیز دریغ نکردند. طوری که بلولاک اظهار کرده بود، در جوامع افریقایی و جنوب شرق آسیا از اقلیت‌های هندی و چینایی همین گونه اقلیت‌های طبقه متوسط ساخته شده است و آن‌ها در جنگ با طبقه ممتاز به گوسفندان قربانی مبدل شده اند.

رقابت بر سر نام کشیدن Identifiability

رقابت بر سر نام کشید یا احراز موقف نیز شکل جنگ‌ها و کشمکش‌های تلخی را به خود گرفته است. مثلاً در مکاتب عالی این مسئله عام است که میان شاگردان بر اساس کارنامه‌های آموزشی، هنری و ورزشی تفاوت به میان میاید. سپس به اساس همین تفاوت‌ها گروه‌ها ایجاد میشود و طوری که کولمن (Coleman - 1961) بیان داشته است، از این گونه رقابت‌ها بین افراد گروه‌های به اصطلاح برتر و کهتر احساسات شدیداً منفی ایجاد میشود. این حالت در گروه‌های ایجاد میشود که متعلق به عین قوم یا نژاد باشند. مثلاً در کیوبیک کانادا در مکاتب عالی کاتولیک‌ها دیده شده است که در کمپ‌های تابستانی میان شاگردان کوچک خیلی زود روابط خراب ایجاد شده است.
وقتی کشمکش‌ها بالای نسل نو اثر داشته باشد و زمانی که در گروه‌های اجتماعی همسان به وجود میاید، خیلی دردناک و تلخ میباشد. مثلاً زمانی که کسی به علت کارگران اعتصاب شکن یا کارگران قانع با مزد اندک، کارهای خود را از دست میدهند، دچار نفرت عمیق میشوند. اگر جنگ‌های ناشی از این نوع رقابت‌ها ناشی از این نوع رقابت‌ها میان مردمی باشد که همنژاد و همفرهنگ استند، قهر و غصه گروه‌های اجتماعی به شکل قهر و غصه میان افراد شدیداً تمرکز میابد.
اودر زادگی میان افغان‌ها یکی از اشکال کینه و تعصب متمرکز است که همواره نتایج دردناکی داشته است. طوری که در زمان جهاد دیده شد، مردم به اسلحه توجه داشتند اما به دست‌هایی که اسلحه توزیع میکردند، توجه نداشتند و اکثر مردم به این جهت هم اسلحه به دست آوردند که در مقابل اودر زاده‌های خود موازنه قدرت را نگه دارند.
وقتی هر دو جانب مخالف یا دشمن به عین نژاد یا فرهنگ تعلق داشته باشند، بالای همدیگر نام‌های زشتی میگذارند و یا همدیگر را به کوه‌ها، قریه‌ها یا دره‌ها منسوب میکنند، مانند: کوهی، صحرایی. در امریکای شمالی یک قوم به این دلیل اوکی نامیده میشد که از اوکلهما (Oklahoma) آمده بودند. تعصب با اوکی‌ها از تعصب با اقلیت‌های قومی و نژادی جدا بود. اوکی‌ها خود انگلوساکسون‌های سفید پوست و پروتستانت بودند. آنها شجره نسب خویش را به انگلیس‌هایی میرساندند که به قاره امریکا کوچیده بودند و در این قاره مستعمره‌هایی ایجاد کرده بودند. برای این مردم به لحاظ رنگ، نژاد و فرهنگ حرف دیگری جور نه میامد، بناً به آنها نام‌های «نجس»، «کثیف» و «جاهل» داده شد و آنها موجوداتی خوانده شدند که مثل خرگوش‌ها به دنیا میایند و همین گونه تولد شده اند. این نام‌ها به خاطری بالای اوکی‌ها گذاشته میشد که آنها صرف یک گناه داشتند و آن هم کار کردن با مزد اندک بود. امروز اوکی‌ها مالکان زمین‌های حاصل خیز کالیفورنیا استند و حالا هیچ کس به آنها نه میگوید که شما همان اوکی‌هایی استید که در ۱۹۳۰ به کالیفورنیا کوچیده اید. گاه گاهی این مردم خود شان خود را اوکی‌ها میخوانند و این هنگامی است که بالای کامیابی‌ها و دستاوردهای خود افتخار میکنند.
اگر رقابت و اودر زادگی به آتش جنگ تیل میباشد، حالت برابری بالای این جنگ آب سرد میریزد. یعنی اگر مساوات تأمین شده باشد، کینه و جنگ از بین میرود.

ادامه دارد

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ